



Lasting bonds: analyzing patterns of family stability and consolidation

Ahmad Ghiasvand

Associate Professor of Sociology, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran.

Email: ah.ghiasvand@atu.ac.ir

 0000-0003-4324-6556

Abstract

A review of various studies on the quality of couples' life together and family strengthening, as well as how to resolve conflicts and what exactly leads to the stability of marriage or separation of couples, indicates that such challenges for the family have not yet been fully deciphered. The present study, using the "meta-synthesis" method, analyzed the patterns and important components of stability in marital life among various studies. Therefore, by searching for different sources about family stability from various databases, they were screened and finally 35 articles were extracted and their results were subjected to "thematic analysis". According to the results, the most important behavioral patterns that stabilize the family include three themes: "the importance of the norm of marriage sustainability," "mutual commitment and maintaining individual independence," and "progress toward gender equality." Also, the core of the Family Sustainability Center is a theme titled "Our Practice of Becoming." In a way, couples try to achieve a shared family identity through methods such as changing priorities, retreating from desires in favor of each other, aligning with their spouse in life matters, and trying to accommodate them.

Keywords: Stability of cohabitation, family stabilizing patterns, metanalysis method, family consolidation.





پیوندهای ماندگار؛ تحلیل الگوهای پایداری و تحکیم خانواده

احمد غیاثوند

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی^(۱)، تهران، ایران.

Email: ah.ghyasvand@atu.ac.ir

چکیده

مرور مطالعات گوناگون پیرامون کیفیت زندگی مشترک زوجین و تحکیم خانواده همچنین چگونگی حل تعارضات و آنچه دقیقاً منجر به ثبات ازدواج یا جدایی زوجین می‌شود، بیانگر آن است که هنوز چنین چالش‌هایی برای خانواده به‌طور کامل رمزگشایی نشده است. از این‌رو پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش «فرا ترکیب» به تحلیل الگوها و مؤلفه‌های مهم پایداری در زندگی زناشویی در بین پژوهش‌های مختلف انجام شده، پرداخته است. بنابر این با جست‌وجوی منابع مختلف پیرامون پایداری خانواده از پایگاه‌های اطلاعاتی گوناگون، به غربالگری آن‌ها پرداخته شد و در نهایت ۳۵ مقاله استخراج گردید و نتایج آن‌ها مورد «تحلیل تماتیک» قرار گرفتند. طبق نتایج حاصل، مهم‌ترین الگوهای رفتاری پایدارکننده خانواده شامل سه مضامین: «اهمیت هنجار دوام ازدواج»، «تعهد متقابل و حفظ استقلال فردی» و «پیشرفت به‌سوی برابری جنسیتی» است. همچنین هسته اصلی قانون پایداری خانواده؛ مضمونی با عنوان «تمرین ما شدن» است که بیانگر فاصله گرفتن زوجین از «من فردی» و تبدیل شدن به «مای خانوادگی» در قالب فرایندهای تغییری، تطبیقی و تنظیمی است، به‌گونه‌ای که زوجین با شیوه‌های مانند تغییر در اولویت‌ها، عقب‌نشینی از خواسته‌ها به نفع یکدیگر، هم‌سویی با همسر در امور زندگی و سعی در تطبیق آن‌ها، تلاش دارند تا به هویت خانوادگی مشترک نائل شوند.

کلیدواژه‌ها: ثبات زندگی مشترک، الگوهای پایدارکننده خانواده، روش فرا ترکیب، تحکیم خانواده.





مقدمه

خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم اجتماعی، از دیرباز مورد توجه اکثر صاحب نظران مختلف بوده است. همچنین گرچه ازدواج و تشکیل خانواده یکی از ابتدایی ترین نهادهای بشری است و زندگی انسان ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ اما وضعیت عملکرد خانواده و نیز بهبود کمیت و کیفیت روابط زوجین، چگونگی حل مسئله و تعارضات و آنچه دقیقاً منجر به شکست یا تحکیم خانواده ها در مسیر زندگی زناشویی می شود، هنوز به طور کامل رمزگشایی نشده است. بنابر این برای اینکه وظایف و کارکرد اصلی خانواده به گونه ای مطلوبی صورت پذیرد، لازم است خانواده ها پایدار باشند. بر اساس بررسی های به عمل آمده ناپایداری و بی ثباتی ازدواج همراه با مفاهیمی مانند: از هم پاشیدگی زناشویی، گسستن روابط زناشویی، طلاق، کیفیت زناشویی پایین و ترک کردن، استفاده شده است (براون و همکاران، ۲۰۰۶). طبق مطالعات «ثبات و پایداری زناشویی در قالب طول مدت ازدواج هر زوج بدون طلاق گرفتن و یا از هم جدا شدن تعریف می شود» (مرسادو، کامرونو استراتون، ۲۰۰۸). «پایداری ازدواج به معنای این است که زوجین چه میزان قادرند روابطشان را در برابر تنیدگی های اجتناب ناپذیر زندگی به خوبی حفظ و نگهداری کنند» (Kaslow, & Robison, 1996).

گاتمن (۲۰۱۷) مقاومت، صبر و شکیبایی و تعهد وفاداری به همسر و صمیمیت را از جمله عوامل در ایجاد ازدواج پایدار و رضایتمند می داند. پژوهش های کپلر (۲۰۱۵) نشان می دهد افرادی که رضایتمندی زناشویی بالایی دارند، طول عمر بالاتری دارند. زندگی زناشویی پایدار تحت تأثیر توانایی تاب آوری در برابر تضادها و مشکلات قرار دارد (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۹). در کل با توجه به پژوهش های در حوزه ثبات و رضایتمندی زناشویی می توان گفت عدم رضایت زناشویی الزاماً منجر به بی ثباتی زناشویی نمی شود و از طرف دیگر صرف رضایت زناشویی، ثبات زناشویی را تضمین نمی کند، هرچند که رضایت زناشویی یکی از عوامل ثبات زناشویی است (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۹).

در واقع آنچه در این باره مهم است تداوم زناشویی با رضایت زناشویی متفاوت است، به عبارتی ممکن است برخی زوجین رضایت کمی از زندگی مشترک داشته باشند؛ ولی با در نظر گرفتن کارکردهای خانواده پایه های ثبات تعیین می گردد. پس پایداری و تحکیم خانواده به میزان تلاش و کوشش افراد در انجام وظایف و میزان استقامت و پشتکاری در مواجهه با مشکلات و تحمل فشارها اطلاق می گردد؛ در واقع هویت یابی خانوادگی نوعی باور به توانایی و تلاش برای حفظ زندگی زناشویی است. متأثر از اسمیت و همکاران (۲۰۱۷) می توان بیان داشت که میزان تلاش افراد برای



تطبیق، تنظیم و تغییر در ثبات زندگی زناشویی مؤثر باشد. اعضا اغلب برای حفظ جلوگیری از بی‌ثباتی خانواده سازگاری‌ها، تعدیل‌ها و تغییراتی مانند تغییر برنامه‌ها، اولویت‌ها و استفاده از زمان را برای هم‌سویی با هویت خانواده انجام می‌دهند (Smith et al, 2017). «البته اگرچه مطالعات بسیاری در ارتباط با ازدواج انجام شده، بیشتر این پژوهش‌ها بر روابطی که پایدار و بلندمدت هستند تمرکز نکرده‌اند، بلکه روی متغیرهایی تمرکز کرده‌اند که مایه از هم پاشیدگی ازدواج‌ها هستند. درحالی‌که برخی از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد، تعدادی ازدواج هم وجود دارد که سالم و پایدار باقی می‌مانند. تمرکز بر اینکه چه عواملی مایه پایداری ازدواج می‌شود، مایه به دست آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد (نیمتز، ۲۰۱۱). از همین رو پژوهش حاضر در صدد است با کمک گرفتن از روش فرا مطالعه به تحلیل الگوها و مؤلفه‌های مهم پایداری در زندگی زناشویی در بین پژوهش‌های مختلف انجام شده بپردازد. بر این اساس سؤال اساسی پژوهش عبارت است از اینکه با مرور مطالعات مختلف پیرامون دوام زندگی زناشویی، چه مضامین اصلی و فرعی را می‌توان استخراج نمود تا بتوان به‌عنوان الگوها و کانون‌های پایداری زندگی زناشویی، مورد تحلیل و تفسیر قرار داد؟

۱. پیشینه و ادبیات پژوهش

در بحث از مرور مفهومی ثبات زناشویی (Marital stability)، اصطلاح «ثبات» (stability) به‌طور کلی به کیفیت، وضعیت یا درجه پایداری اشاره دارد. بی‌تردید داشتن یک رابطه سالم، شاد و رضایت‌بخش در طول زندگی، یک چالش بزرگ و ضرورتی برای پایداری در روابط زناشویی است. تقریباً همه ازدواج‌ها با سطح بالایی از رضایت زناشویی آغاز می‌شوند (Bradbury, 1998). بنابراین ثبات ازدواج (Marital stability) مفهوم گسترده‌ای است که به زوج‌هایی اشاره دارد که نه طلاق گرفته‌اند و نه به دنبال جدایی از یکدیگر هستند (اوراتینکال و ونستینوگن، ۲۰۰۶ و لتال، ۱۹۷۷). ثبات ازدواج مفهومی عینی و قابل مشاهده است که با رضایت‌مندی و شادکامی زناشویی متفاوت است؛ درحالی‌که ثبات ازدواج ویژگی زوجین است، رضایت‌مندی یک ویژگی فردی است و به شیوه‌ای که افراد ازدواجشان را ارزشیابی می‌کنند، اطلاق می‌شود (کالمین، ۱۹۹۹؛ لتال، ۱۹۷۷). ثبات زناشویی مجموعه‌ای از سازگاری، رضایت و موفقیت زناشویی است. علاوه بر این، بوت، جانسون و ادواردز (Booth, Johnson, and Edwards) (۱۹۸۳) اصطلاح ناپایداری زناشویی (marital instability) را به‌عنوان «حالات عاطفی و



شناختی همراه با اقدامات مرتبط که پیش‌نیاز پایان دادن به یک رابطه هستند» تعریف می‌کند (Fatima & Alim, 2019). ثبات یا پایداری زناشویی به این معنی است که آیا یک زوج در یک ازدواج با هم باقی می‌مانند یا جدا می‌شوند یا طلاق می‌گیرند. همچنین به‌عنوان طول عمر زناشویی یا مدت زمان ازدواج شناخته می‌شود (Priyadharshini, 2019). ثبات زناشویی به معنای یک رابطه زناشویی پایدار، سالم و متعادل بین زوجین است. ثبات و خوشبختی زناشویی تا حد زیادی در نسبت رفتارهای مثبت به منفی در رابطه منعکس می‌شود (Echebe, 2010). میچل و پلوش ثبات زناشویی را به معنای حفظ وضعیت قانونی ازدواج، بدون طلاق یا جدایی قانونی تعریف کردند (Mitchell, K. S., and Plauche, H. 2016). البته ثبات زناشویی (marital stability) با سازگاری زناشویی (marital adjustment)، رضایت زناشویی (marital satisfaction) و موفقیت زناشویی (marital success) مرتبط است، اما از آن‌ها متمایز است. با این حال، ثبات زناشویی به همه این عوامل بستگی دارد. بنابراین می‌توان گفت که ثبات زناشویی به‌عنوان شاخصی از ماهیت هویت متقابل و تسهیم مسئولیت و تعهدات دوره زناشویی گذشته همسران شناخته می‌شود. پس ثبات زناشویی به‌عنوان شاخص استمرار و دوام هسته‌ای از استقلال، اعتماد و دوستی دوجانبه مطرح می‌شود و عامل پیش‌بینی کننده شادی و شادکامی زناشویی به شمار می‌رود (کانگ و جاسوال، ۲۰۰۹).

گاتمن و سیلور، ازدواج‌ها را بر اساس مشاجراتشان نام‌گذاری می‌کنند: «ازدواج بر اساس رضایت دوجانبه»، «ازدواجی که مشاجره در آن نوعی ابراز عشق است»، «زندگی بر اساس پذیرش تفاوت‌ها». در زوج‌های طرفدار رضایت دوجانبه میزان قابل توجهی نقش جنسیتی در میان زوج‌ها برقرار است؛ به عبارتی دیگر هر یک از زوجین تأثیر خودش را در زندگی دارد. زن در رأس امور خانه و مسئول کودکان و مرد عموماً تصمیم‌گیرنده نهایی است. درحالی‌که مرد خودش را منطقی، حاکم و مدعی در نظر می‌گیرد، زن خود را مسئول پرورش کودکان و حافظ کانون خانواده و راوی همه صحبت‌های مربوط به کل خانواده می‌داند. این‌گونه زوج‌ها دوستان خوبی به نظر می‌رسند. که به اصطلاح «ما» در ازدواج ارزش می‌نهند و به اهداف دو نفره بیش از اهداف و ارزش‌های فردی اهمیت می‌دهند؛ می‌توان گفت ازدواج‌هایی که به دنبال رضایت دوجانبه هستند جزو با ثبات‌ترین زندگی‌ها هستند (گاتمن و سیلور، ۱۹۹۴: ۸۳). زوج‌های مشاجره‌جو، زوج‌هایی هستند که با وجود کشمکش‌های فراوان در کنار هم با شادی زندگی می‌کنند. آن‌ها زیاد مشاجره می‌کنند و اغلب زمان زیادی را برای جبران آن هدر می‌دهند، نتیجه این مشاجرات طوفانی زوجین بخشی از زندگی عاشقانه و گرم آن‌هاست.



لذت و حسی که آن‌ها از این مشاجرات و دعوای دارند، دلیلی برای روابط مثبت میان آن‌هاست، آن‌ها نه تنها عصبانیتشان بیشتر نمی‌شود، بلکه می‌خندند و بیش از زوج‌های طرفدار رضایت دوجانبه به هم علاقه‌مند می‌شوند. آن‌ها احساسات منفی و مثبت بیشتری از خود نشان می‌دهند و مشاجراتشان را خیلی راحت جبران می‌کنند. زوج‌های طرفدار رضایت دوجانبه به نقطه نظرات همدیگر گوش می‌دهند و سعی می‌کنند یکدیگر را متقاعد سازند، درحالی‌که زوج‌های مشاجره جو بلافاصله مشاجره را شروع و از نظریه خودشان دفاع می‌کنند. اما زوج‌های پرهیزکننده از مشاجره زمانی که تفاوت‌هایشان آشکار می‌شود، به‌ندرت آرام باقی می‌مانند. پس، زمان در این‌گونه ازدواج‌ها تعیین‌کننده است، زیرا وقتی پس از گذشت زمانی قابل توجه در مورد ازدواجشان با آن‌ها صحبت می‌کنیم به این نتیجه می‌رسند که توافق و تفاهم ندارند، منظور آن‌ها از این عبارت آن است که با هم صحبت نمی‌کنند، چون می‌دانند به بن‌بست می‌رسند. این نوع از زندگی موفق نوعی «هوش قراردادی» است که ثبات زندگی زناشویی را با توانمندی «بحث تا رسیدن به نتیجه مطلوب» مرتبط می‌سازد. بنابراین به نظر می‌رسد یک زندگی حتی وقتی زوجین مشکلاتی را حل نمی‌کنند هم می‌تواند دوام یابد. در هر سه شیوه مذکور زوج‌ها اظهار می‌دارند که احساساتشان را با هم به‌طور کامل در میان می‌گذارند و موضوعات را حل می‌کنند، اما از این نظر زوج‌های هر سه دسته تفاوت عمیقی با هم دارند (گاتمن و سیلور، ۱۹۹۴: ۹۹). در مقابل، در تعریفی روشن‌تر از بی‌ثباتی ازدواج می‌توان گفت که این اصطلاح برای مشخص کردن گرایش یک زوج به انحلال ازدواج اشاره دارد. بی‌ثباتی ازدواج در این تعریف در برگیرنده سه حالت است که عبارت‌اند از: ۱. وضعیت عاطفی (من چه احساسی درباره ازدواج دارم)؛ ۲. نگرانی‌های شناختی رابطه (من چگونه به برآمد احساسم می‌اندیشم یا در پس احساس من چه اندیشه‌ای وجود دارد) و ۳. کنش‌های آشکار (به راستی پس از احساسم و اندیشه‌های متعاقب آن دست به چه کارهایی بزنم) (وایت، لولین، ۲۰۰۹). بی‌ثباتی ازدواج همراه با مفاهیمی مانند: از هم پاشیدگی زناشویی، گسستن روابط زناشویی، طلاق، کیفیت زناشویی پایین و ترک کردن، استفاده شده است (براون و همکاران، ۲۰۰۶). ازدواج بی‌ثبات شامل زوج‌های ناسازگار و منفصل است. در زوج‌های ناسازگار، اختلاف (بدون کوشش برای حل آن) است اما زوج‌های منفصل، غالب اوقات از درگیر شدن دوری می‌کنند (گاتمن، ۱۳۸۲).



بررسی کوبر و هاروف (Kibber & Harruf) (۱۹۹۲) در مورد ازدواج‌های باثبات و رضایت‌بخش منجر به توسعه یک طبقه‌بندی از ازدواج‌های بادوام شده است که در قالب پنج مدل از روابط، مشخص گردیده است که به شرح زیر است:

۱. ازدواج‌های مبتنی بر تعارض (Conflict-habituated marriage): در این ازدواج‌ها تنش قابل توجه و درگیری حل نشده وجود دارد. همسران معمولاً دعوا می‌کنند، نق می‌زنند و گذشته را مطرح می‌کنند. به عنوان یک قاعده، هر دو همسر ناسازگاری خود را تصدیق می‌کنند و فضای تنش را عادی می‌دانند. موضوع بحث به سختی مهم به نظر می‌رسد و شرکا اختلافات خود را حل و فصل نمی‌کنند. مشخصه این نوع ازدواج عبارت است از: ۱. زوجین ممکن است به ناسازگاری خود اذعان کنند؛ اما همچنان به رابطه ادامه دهند؛ ۲. تعارض اغلب به عنوان شیوه اصلی تعامل بین زوجین عمل می‌کند.

۲. ازدواج‌های بی‌روح (از بین رفته) (Devitalized relationships): در این نوع ازدواج، زوج‌ها چندین سال است که زندگی مشترک دارند و در طول زمان، این رابطه شور، صمیمیت و معنای خود را از دست داده است. اما اکنون زمان کمی را با هم می‌گذرانند و دیگر علایق و فعالیت‌های مشترک زیادی ندارند. در این مدل هرچند اشتیاق و علاقه سال‌های اولیه کمرنگ شده است؛ اما به نظر می‌رسد که طرفین علاقه‌مند به ترک رابطه باشند. مشخصه این نوع ازدواج‌ها، کاهش صمیمیت عاطفی و شور و هیجان است. زوجین ممکن است احساس دوری و بی‌ارتباطی کنند و بیشتر بر مسئولیت‌های مشترک تمرکز کنند تا ارتباط عاطفی.

۳. ازدواج‌های هم‌خویی منفعلانه یا آرام و سازگار (Passive-congenial): این ازدواج‌های سودمند به جای نزدیکی عاطفی، بر ویژگی‌های زوجین تأکید می‌کنند؛ ازدواج‌های منفعل نسبت به ازدواج‌هایی که در آن زوجین انتظارات زیادی برای شدت عاطفی دارند، کمتر به طلاق ختم می‌شوند. اما اگر ازدواج نتواند نیازهای عملی مانند حمایت اقتصادی یا پیشرفت حرفه‌ای را برآورده کند، ممکن است شریک زندگی تصمیم به طلاق بگیرند. یا اگر یکی از شرکا متوجه شود که صمیمیت بیشتری می‌خواهد، ممکن است آن را ترک کند. در این نوع ازدواج‌ها، بر عملی بودن و اهداف مشترک بیشتر از شدت عاطفی تأکید می‌شود. زوجین ممکن است با یک رابطه کم‌تنش و کم‌صمیمیت راضی باشند. این ازدواج‌ها اغلب پایدار هستند اما ممکن است فاقد عمق عاطفی باشند.

۴. ازدواج‌های پرشور یا حیاتی (Vital): این ازدواج‌های درونی از تمایل به در کنار هم بودن ایجاد می‌شوند. زوجین سعی می‌کنند به سرعت اختلافات را حل کنند تا بتوانند رابطه‌ای را که برای آن‌ها اهمیت زیادی دارد، از سر بگیرند. در این مدل هر چند طرفین تا حد زیادی به یکدیگر وابسته هستند؛ اما یکدیگر را محدود نمی‌کنند و در مقایسه با مدل کلی به یکدیگر فرصت بیشتری برای رشد و پیشرفت شخصی می‌دهند (ستیر و ورجینا، ۱۹۹۷). کوپر و هارف این ازدواج‌ها را در اقلیت یافتند. مشخصه این نوع ازدواج‌ها، سطح بالایی از شدت عاطفی، شور و تعهد است. زوجین علایق و فعالیت‌های مشترک بسیاری دارند و از گذراندن وقت با هم لذت می‌برند و اختلافات به صورت باز مطرح و به سرعت حل می‌شوند.

۵. ازدواج‌های کامل یا تمام‌عیار (Total marriage): ویژگی این مدل همیشه در کنار یکدیگر بودن و داشتن علایق متقابل شدید است. شدیدترین نوع ازدواج که شامل ارتباط عمیق عاطفی و فکری است. زوجین تقریباً تمام جنبه‌های زندگی خود را به اشتراک می‌گذارند، از جمله کار، سرگرمی‌ها و دایره اجتماعی. درحالی‌که بسیار رضایت‌بخش است، ازدواج‌های تمام‌عیار شکننده هستند و در صورت بروز مشکل، ممکن است به سرعت از هم بپاشند.

در مجموع می‌توان اذعان نمود که خانواده پایدار، خانواده‌ای است که زوجین در مسیر زندگی زناشویی، انگیزه و احساس تعلق لازم را نسبت به حفظ زندگی خانوادگی (علی‌رغم احساس ناخشنودی زناشویی) داشته باشند و تصمیمی مبنی بر جدایی نداشته باشند. بنابراین تداوم یا بی‌ثباتی در زندگی زناشویی، بیانگر چگونگی تصمیم برای ادامه زندگی زناشویی محسوب می‌شود؛ به عبارتی به باورهای فرد در مورد میزان تعلق آن‌ها به رابطه زناشویی اطلاق می‌شود و نیز اینکه تحت چه شرایطی ازدواج را می‌توان منحل کرد یا ادامه داد، برمی‌گردد. بدین معنا که زوجین چقدر برای رابطه و زندگی زناشویی ارزش قائل هستند و تا چه اندازه برای حفظ، ثبات و تداوم ازدواج و پایداری خانواده انگیزه دارند و در برخورد با موقعیت‌های زندگی چگونه تعلق به رابطه زناشویی را توجیه می‌نمایند تا منجر به ثبات زندگی زناشویی گردد.

۲. روش‌شناسی

در پژوهش حاضر برای تحلیل و استخراج الگوها و مؤلفه‌های خانواده پایدار از «روش فراترکیب» استفاده شده است. فراترکیب یکی از اقسام روش‌های فرامطالعه است. فرامطالعه شامل چهار قسمت

اصلی فرانظریه، فراروش، فراترکیب و فراتحلیل است (بنج و دای، ۲۰۱۰). فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که از اطلاعات و یافته‌های مطالعات دیگر با موضوع مرتبط و مشابه استفاده می‌کند. به عبارتی، فراترکیب ترکیب تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعات منتخب است (زیمر، ۲۰۰۶). این روش که از آن با عنوان فراتحلیل کیفی نیز یاد می‌شود، سعی دارد تحقیقاتی را که پوشش می‌دهد، تحلیل کند و با یکپارچه کردن نتایج، موضوعات اصلی را برای تحقیقات آینده مشخص کند (کوپر و هدگز، ۲۰۰۹). گام‌های هفتگانه فراترکیب از نظر ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) عبارتند از: «مشخص کردن هدف»، «مطالعه نظام‌مند ادبیات با توجه به هدف پژوهش»، «جست‌وجو و انتخاب پژوهش‌های مناسب»، «استخراج اطلاعات»، «تحلیل و ترکیب یافته‌ها»، «کنترل کیفیت و ارائه یافته‌ها» (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۶). در این باره عناوین مرتبط با پایداری خانواده در پایگاه‌های اطلاعاتی Web of Science، Scopus، Science Direct، Magiran و SID از آغاز تاکنون مورد جست‌وجو قرار گرفت. سپس این مطالعات بر اساس معیارهای واجد شرایط بودن غربالگری شدند و در نهایت ۳۵ مقاله باقی ماند و نتایج آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند.



شکل ۱: انواع فرامطالعه از منظر بنج و دای (۲۰۱۰)

۳. یافته‌های پژوهش

طبق فلوجارت راهبردی جست‌وجو، مطالعات مرتبط با خانواده باثبات و پایدار استخراج گردید. چنانچه جدول زیر نشان می‌دهد ضمن ارائه عناوین، نویسندگان و روش تحقیق به تشریح مضامین اصلی و فرعی آن‌ها پرداخته شده است.

جدول ۱: مضامین اصلی و فرعی پژوهش‌های انجام شده

پژوهش‌های انجام شده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
مطالعه کیفی شناسایی مؤلفه‌های پیشگیرانه از فروپاشی خانواده توسط آرامی و همکاران (۱۴۰۲) به روش گراند تئوری	پیشگیری از فروپاشی خانواده	تأکید بر آموزش مداوم، تقویت اقتصادی، حمایت قانونی از زندگی سالم، مهارت پروری و مهارت افزایی، بازتولید اخلاقی مداوم، مصون‌سازی فرهنگی، سبک زندگی سالم، انتخاب عقلانی، تقویت پیوندهای درونی اعضا، اعتمادسازی دوجانبه، خانواده گرایی و مداخله مؤثر
مفهوم‌سازی کاربردی مراقبت در پیشگیری از بحران‌های خانواده: مروری سیستماتیک توسط کلائی و همکاران در سال ۱۴۰۲ به روش مرور سیستماتیک	مدل مراقبتی برای خانواده	مقوله‌های بُعد شناختی مراقبت (آگاهی، پذیرش و آمادگی)، بُعد عاطفی (هشیاری عاطفی، همدلی و صمیمیت) و بُعد رفتاری (رعایت حدود، حضور فعال، حمایت، حفاظت از خطر و خیرخواهی)
شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری خانواده‌های کارکنان سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران توسط مریم مجید ناتری و همکاران در سال ۱۴۰۲ به روش پدیدارشناسی	عوامل پایداری خانواده	عوامل فردی (شامل مضامین فرعی توانمندی روان‌شناختی، اخلاق‌مداری و مشغولیت معنادار)، عوامل زوجی (شامل مضامین فرعی عشق ورزی، حمایتگری، مشارکت مسئولانه، حل تعارض سازنده و اتخاذ نگرش سازنده نسبت به رابطه)، و عوامل فرازوجی (شامل مضامین فرعی منابع خانوادگی برون خانوادگی)
ارائه الگوی ازدواج پایدار و رضایتمند: یک پژوهش گراندتئوری توسط حاتمی ورزنه در سال ۱۳۹۶ به روش نظریه زمینه‌ای	گذری به‌سوی بالندگی ازدواج	عوامل درون شخصی (نگرش‌های کارآمد ویژگی‌های شخصیتی پسندیده) و میان فردی (منظومه زناشویی پدر و مادری و چند نسلی کارآمد) و فراقردی (مالی و کاری)
روایت زنان متأهل شهر کرمانشاه از تداوم زندگی	تداوم زندگی زناشویی	جدال تا مرز جدایی، تضاد زوجین مبنای سازگاری (کنترلگری مرد، تقلای

مضامین فرعی	مضامین اصلی	پژوهش‌های انجام شده
زوجین برای استقلال تمرین ما شدن)، شروع ماه غسل زندگی (رسیدن به معنای مشترک، حفظ احساس مادری و ترجیح و تربیت فرزند)، احساس آرامش در زندگی (پیدایی علاقه مشترک، به کارگیری سیاست‌های زنانه و روابط عاطفی هوشمند)		زناشویی توسط غیاثوند و اسدی در سال ۱۳۹۸ به روش تحلیل روایت
ازدواج مناسب و امنیت زناشویی، شیوه صحیح همسرگزینی و زمینه‌های تربیتی و حمایتی والدین، مدیریت رسانه و فضای مجازی و مراقبت‌های اخلاقی زوجین، تحمل سختی‌ها و شرایط دشوار زندگی، مدیریت مناسب شرایط بحرانی و نیز از طریق همراهی و حمایت متقابل زوجین، کنش‌های فعالانه، انعطاف‌پذیری، پویایی و انسجام بالای خانوادگی	خانواده کارآمد و بهنجار	ثبات خانوادگی و تداوم زندگی زناشویی: مطالعه‌ای کیفی در شهر شیراز توسط زنجیرانی و علی مندگاری در سال ۱۳۹۶ به روش نظریه زمینه‌ای
عوامل فرهنگی (شامل ایمان، عقاید و ارزش‌های اخلاقی)، تعاملات خانوادگی، سلامت جسمی و روحی، رشد فردی، شیوه اداره زندگی خانوادگی، امور اقتصادی و رفاه مادی، محیط فرهنگی اجتماعی و سیاسی جامعه، اختلاف سنی زوجین، طول مدت زناشویی، خدمات عمومی و حمل‌ونقل عمومی و ملاحظات بهداشتی جامعه	عوامل و مؤلفه‌های مقوم و فرساینده	فراتحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی «توسط غفاری و حاجیان مقدم در سال ۱۳۹۲ به روش فراتحلیل
مضمون اصلی شامل رفتار، عاطفه، شناخت، حواس، رابطه، تصورات ذهنی و ابعاد جسمانی انجام شد. و مضمون فرعی شامل پایبندی به خانواده، صمیمیت، ارتباط مؤثر، اهمیت دادن به	بر اساس مدل چند وجهی لازاروس در تحکیم بنیان خانواده	کشف الگوی تحکیم خانواده بر اساس نظریه لازاروس در زوجین شهر یزد: مطالعه کیفی توسط ایرانی زاده و



پژوهش‌های انجام شده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
دیگران در سال ۱۳۹۸ به روش تحلیل محتوای کیفی		مشاوره، گذشت، درون‌ریزی/برون‌ریزی، وقت‌گذاری، تقویت حواس، صله رحم، مراسم خانوادگی، اعتماد به نفس، تأثیر رسانه، تنوع در تغذیه، ورزش و گردش
سنجش میزان اثرگذاری مؤلفه‌های سازگاری بر تحکیم خانواده توسط خطیبی در سال ۱۳۹۶	مؤلفه‌های سازگاری	توافق و هم‌رأیی، پیوستگی، ابراز عواطف و رضایتمندی از زندگی زناشویی
شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ و تحکیم خانواده ایرانی - اسلامی توسط رزازی و همکاران در سال ۱۴۰۳ به روش پژوهش داده‌بنیاد	حفظ و تحکیم خانواده ایرانی اسلامی	نگرش به خانواده و امر ازدواج، دگرگونی در هنجارهای تشکیل خانواده، فضایل اخلاقی زوجین، ماهیت و کیفیت ارتباط میان زوجین، وظایف زن و مرد در نهاد خانواده، نقاط اشتراک میان زوجین» (مشمول بر وظایف مشترک زن و شوهر نسبت به یکدیگر، وظایف مرد در قبال همسر، وظایف زن در قبال همسر، همسان‌گزینی زوجین و غیره)، ماهیت برون‌نهادی (تنوع و تضاد عوامل جامعه‌پذیری و عوامل اقتصادی)
شناسایی عوامل مرتبط با پایداری ازدواج در مطالعات ایرانی توسط ثناگویی زاده در سال ۱۴۰۰ به روش مرور سیستماتیک	عوامل پایداری ازدواج	چهار عامل تفاوت‌های جنسیتی، تفاوت‌های نسلی، نظام ارزشی حاکم بر جامعه و سیاست‌های خانواده بر پایداری خانواده
بررسی هویت‌های تغییر یابنده خانواده‌های واقع در مراحل مختلف چرخه زندگی خانوادگی» توسط زمانی علویچه با همکاران در سال ۱۴۰۱ به روش زمینه‌ای	دغدغه‌های زندگی چرخه زندگی خانواده	دغدغه‌های زندگی در مرحله آغازین زندگی شناخت همسر و رسیدن به نقطه نظرات مشترک است و در مرحله بارداری همسر، سلامت کودک، در مرحله‌ای که فرزند در سن خردسالی و کودکی است، تربیت درست فرزند، مهم‌ترین دغدغه خانواده‌ها است. در

مضامین فرعی	مضامین اصلی	پژوهش‌های انجام شده
مرحله‌ای که فرزندان به سن رشد می‌رسند دغدغه‌های اقتصادی از جمله مخارج تحصیل و ازدواج در اولویت قرار می‌گیرد و نهایتاً در دوران سالمندی، سلامتی والدین		
عوامل مانند: خانواده مبدأ (عدم تمایز یافتگی، سبک دل‌بستگی نایمن، و عدم تنظیم رابطه با والدین و اطرافیان)؛ عدم توجه به عامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر خانواده؛ مسائل فردی و شخصیتی و اخلاقی (افسردگی، خسبیس بودن، بدبینی، وسواس، کینه‌توز بودن، ناسازگاری، اعتیاد به مواد و اعتیاد به فضای مجازی)؛ نداشتن کفایت عقلی یا همان بلوغ عقلی، مشکلات مالی و معیشتی؛ میزان درآمد ناکافی، نداشتن شغل و میزان ساعات کاری بالا؛ نداشتن مهارت ارتباط؛ فرزندآوری و تربیت فرزند.	شناسایی عوامل خطر ساز	شناسایی عوامل خطر ساز پایداری ازدواج در فرهنگ ایرانی توسط کیانی و همکاران در سال ۱۴۰۰ به روش آمیخته (کیفی- کمی)
فضایل فردی، فضایل زوجی، مدیریت سازنده تعارض، باورهای مذهبی، حفظ حریم زناشویی، انعطاف‌پذیری، انتخاب سازنده، حمایت خانواده‌ها، تأثیر گذر زمان بر روابط زوجین، ساختار ارتباطی سالم، رشد و ارتقای زوجی	فضایل شکل‌دهنده چرخه مثبت ارتقای بخش رابطه زناشویی	شناسایی بستریهای سازگاری زناشویی در مراحل اولیه ازدواج در پایداریسازی آن «توسط افلاطونی و همکاران در سال ۱۴۰۱ به روش پدیدارشناسی
همسرگزینی آگاهانه به‌عنوان شرایط علی، شرایط میانجی در پنج سطح فردی، زوجی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی و والدینی، راهبردهای حل	حرکتی در جهت نگهداری و تداوم زندگی	تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی توسط علی درخش و همکاران در سال ۱۳۹۸ به روش نظریه داده بنیاد



پژوهش‌های انجام شده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		تعارض در دو سطح راهبردهای حل تعارض زوجی و خانوادگی
کوششی نظری در جهت ساخت مدل اسلامی ثبات خانواده توسط بستان ۱۳۹۲ به روش تحلیل مضمون	تأمین نیازهای فطری همسران	ویژگی‌های فردی همسران (ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی، دانشی، رفتاری و جسمی)، ویژگی‌های ساختاری خانواده (تمایز جنسیتی نقش‌ها، حضور زن و شوهر در کنار هم و داشتن فرزند) پیش زمینه‌های تشکیل خانواده (در مراحل رشد همسران و در مرحله همسرگزینی) و عوامل اجتماعی (آموزش، تربیت دینی و اخلاقی جامعه، بسترسازی اجتماعی، بسترسازی قانونی حمایت اجتماعی و نظارت اجتماعی
مؤلفه‌های خانواده پایدار و کارآمد از منظر امام رضا (ع) توسط تاج‌بخش و همکاران در سال ۱۴۰۱ به روش تحلیل مضمون	آگاهی و شناخت مؤلفه‌های استحکام‌بخش خانواده	تیزبینی در تشکیل خانواده، سلامتی و تندرستی، درک و تأمین نیازهای اقتصادی، فرزندآوری و نگرش مثبت به فرزند، مهارت‌های خانوادگی و ارتباطی، کرامت فرزندان و خانواده‌محوری، پایبندی به اخلاق و آموزه‌های اسلامی در خانواده، درک نیازهای روان‌شناختی و پایبندی به حقوق و وظایف خانواده در پایداری
تحلیل و تفسیر جامعه شناختی عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده (از منظر کارشناسان و مراجعه کنندگان به دادگاه خانواده شهر زنجان) توسط عباسی و همکاران در سال ۱۴۰۱ به روش ترکیبی	عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده	عوامل عاطفی، عوامل اعتقادی، عوامل فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و موانع اعتقادی، موانع عاطفی، موانع اجتماعی، موانع اقتصادی و موانع فرهنگی در تحکیم بنیان خانواده

پژوهش‌های انجام شده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
خانواده و عوامل پایداری آن از منظر قرآن در سال ۱۳۹۵ توسط آقای شریفی	پایداری و استحکام	رعایت اصول اخلاقی و ارزش‌ها همانند پارسایی و دین‌داری، بهره‌مندی از فضایل اخلاقی، همتایی و تناسب و اصالت خانوادگی در انتخاب همسر، مودت و مهرورزی زن و شوهر نسبت به یکدیگر، مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده خصوصاً مواظبت و مراقبت در امور اعتقادی و اخلاقی، کنترل تمایلات جنسی و جهت‌دهی آن به نظام همسری، رعایت وظایف اخلاقی نسبت به یکدیگر، رعایت حقوق در میان اعضای خانواده، کاهش اختلافات خانوادگی و حل عاقلانه و عادلانه اختلافات
شناسایی عوامل ثبات زناشویی در جامعه ایرانی - اسلامی: رویکرد فراترکیب توسط هراتیان در سال ۱۳۹۹ به روش فراترکیب	عوامل ثبات زناشویی	مطابقت‌های فردی، ویژگی‌های مربوط به فرد، ویژگی‌های فردی مختص به جنسیت، ویژگی‌های خانواده اصلی، ویژگی‌های دویستان و خویشان، ویژگی‌های مشترک رابطه همسری و ویژگی‌های ارتباطی مختص به جنسیت
طراحی الگوی پایداری خانواده مبتنی بر آموزه‌های اسلامی توسط محمود زاده و همکاران در سال ۱۳۹۸ به روش تحلیل مضمون	پایداری خانواده	خدامحوری در خانواده، بنای رابطه بر محبت و دوستی، سازگاری و مدارا، پایبندی به اخلاق اسلامی، پایبندی به حقوق و وظایف و ارتباط صحیح زوجین و خانواده‌های اصلی آنان با یکدیگر
تعیین ابعاد سازگاری زناشویی در زوج‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی توسط ناموران گرمی و همکاران ۱۳۹۶ به روش کمی	سازگاری زناشویی	مسئولیت‌پذیری (تعهد، به سازی زندگی)، تفاهم (ارزیابی واقع‌بینانه، پذیرش، همدلی، تصمیم‌گیری مشاورکتی، توافق)، ساختار ارتباطی (رابطه برابر، سلسله‌مراتب متعادل،



پژوهش‌های انجام شده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		حفظ مرزها) و تعارض (مدارا، حل تعارض جرئت‌مندانه، ترک پرخاشگری)
تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک مطالعه فراتحلیل کیفی توسط دهدست و قبادی در سال ۱۳۹۸ به روش فراتحلیل کیفی	اختلال در کارکرد عاطفی خانواده	عدم صلاحیت‌های پیش از ازدواج، عدم مهارت‌های پس از ازدواج»، عدم آگاهی خانواده‌ها پیرامون قدرت گفتمان‌های غالب در خلق تجارب جدید ارزشی، معنایی و ساختاری
تعیین‌کننده‌های ثبات زناشویی در بین زنان توسط مریم فاطیما و فرزنه الیم در سال ۲۰۲۴	ارزیابی ثبات زناشویی	حمایت، صمیمیت، صداقت، وابستگی- استقلال، همدلی
کلیدهای یک ازدواج خوب و پایدار: واکاوی تجربیات زوج‌های ایرانی توسط صمدی و دیگران در سال ۲۰۲۱ به روش پدیدارشناسی	ازدواج خوب و پایدار	عوامل بنیادی و پیش از ازدواج (آغاز مناسب زندگی مشترک و سازگاری زوجین)، تعهد متقابل برای حفظ انسجام زندگی زناشویی (الگوسازی از روابط زناشویی دیگران، روابط عاطفی عمیق بین زوجین، تعامل مطلوب با خانواده‌های یکدیگر و داشتن مهارت‌های زندگی منجر به انسجام زناشویی).
بررسی عوامل مؤثر بر ثبات زناشویی در میان زوجها در ناحیه کواهره شرقی، منطقه اشانتی- کشور غنا توسط پتینس اوسی در سال ۲۰۲۲ به روش ترکیبی	عوامل ثبات زناشویی	تأثر عشق، ارتباط، طلاق و فرزندان
عوامل محافظتی پایداری زناشویی در ازدواج‌های بلندمدت در سراسر جهان:	پایداری زناشویی	عوامل محافظتی درون فردی مانند: تعهد و وفاداری، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی اعتماد و همدلی و عوامل بین

پژوهش‌های انجام شده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
یک مرور سیستماتیک توسط کریمی و دیگران (۲۰۱۹)		فردی به‌عنوان رویه‌های سازگاری مانند توافق مذهبی، شیوه حل مسئله، تصمیم‌گیری و تقسیم نقش
ویژگی‌های ازدواج اول طولانی مدت توسط فنل (Fenell, D.L)	ازدواج طولانی مدت	تعهد مادام‌العمر به ازدواج، وفاداری به همسر، ارزش‌های اخلاقی قوی، احترام به همسر به‌عنوان بهترین دوست، تمایل به پدر و مادر خوب بودن، ایمان به خدا و تعهد معنوی، تمایل به جلب رضایت و حمایت از همسر، همراهی خوب با همسر، و تمایل به بخشش و بخشیده شدن.
روابط ماندگار: مطالعه کیفی در مورد ازدواج‌های طولانی مدت و شاد توسط باچاند و کارون (Leslie L. Sandra L. and Bachand Caron) در سال ۲۰۰۱	ازدواج‌های طولانی مدت و شاد	تعهد، دوستی، توافق بر روی ارزش‌ها/منافع، و علایق بیرونی مذهب، وفاداری و فرزندان دوستی و عشق
یک روند غافلگیرکننده: ارتباط بین رابطه جنسی قبل از ازدواج و پایداری زناشویی نیکلاس اچ. ولفینگر (Nicholas H. Wolfinger) در سال ۲۰۱۴	درک چرخه طلاق	تأثیر داشتن چندین شریک جنسی بر ناپایداری خانواده
مسائل مربوط به تعارضات زناشویی و خشونت: تحلیل جامعه شناختی روایت‌های زنان منتخب یوروبا توسط آیدونگسیت و فونمی بامکه (and Funmi Bammeké Eshiet Idongesit) (۲۰۱۸) به روش کمی	تعارضات زناشویی و خشونت	دلایل غالب برای ماندن در ازدواج‌های خشونت‌آمیز: ۱. میل به حمایت از فرزندان؛ ۲. اعتقاد به اینکه یک زن خوب باید استقامت کند.

پژوهش‌های انجام شده	مضامین اصلی	مضامین فرعی
ازدواج‌های موفق نوجوانان: یک مطالعه کیفی در مورد اینکه چگونه برخی از زوجها موفق شده‌اند توسط بوکین (Esther Laree Boykin) در سال ۲۰۰۴ به روش پدیدارشناسی	انگیزه‌های موفقیت زناشویی	تعهد، ارتباط، ارزش‌های مشترک، معنویت، صمیمیت و خانواده

با بررسی تحقیقات گذشته، می‌توان به تحلیل نتایج حاصل پرداخت و در نهایت از دو محور اساسی با عنوان «رفتارهای پایدارکننده» و «کانون پایداری خانواده» را استخراج نمود.

جدول ۲: رفتارهای پایدارکننده و کانون پایداری خانواده

رفتارهای پایدارکننده	کانون پایداری خانواده
اهمیت هنجار دوام ازدواج تعهد متقابل و حفظ استقلال فردی پیشرفت به‌سوی برابری جنسیتی	شکل‌گیری مای مشترک

رفتارهای پایدارکننده، به مکانیسم یا فرایندی اطلاق می‌گردد که موجب می‌شود زندگی زناشویی به سمت ثبات رفته و از زوال و فروپاشی فاصله بگیرد. طبق بررسی صورت گرفته سه فرایند رفتاری پایدارکننده استخراج شده عبارت است از: اهمیت هنجار دوام ازدواج، تعهد متقابل و حفظ استقلال فردی و پیشرفت به‌سوی برابری جنسیتی.

جدول ۳: مضامین فرعی و منابع رفتارهای پایدارکننده ازدواج

رفتارهای پایدارکننده	منبع
اهمیت هنجار دوام ازدواج: حمایت از هنجار ازدواج مادام‌العمر، نگهداری رابطه، بنای رابطه بر محبت و دوستی، ساختار ارتباطی و حل تعارض، ارزیابی واقع‌بینانه، پذیرش و همدلی، انعطاف‌پذیری زوجین، ارتباط صادقانه و مستقیم،	محمود زاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ مجید ناتری و همکاران، ۱۴۰۲؛ حاجیان مقدم، ۱۳۹۲؛ افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۱؛ علی درخش و همکاران، ۱۳۹۸؛ ناموران گرمی

توانایی اعتماد و همدلی، استعداد طلاق، سازگاری و مدارا، تعاملات مثبت خانوادگی، مدیریت سازنده تعارض	و همکاران، ۱۳۹۶؛ ناموران گرمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فاطیما و الیم، ۲۰۲۴؛ صمدی و دیگران، ۲۰۲۱؛ دی و گوش، ۲۰۱۶؛ آما تو و دیگران، ۲۰۱۳
تعهد متقابل و حفظ استقلال فردی: وابستگی به همدیگر و حفظ مرزها، امنیت زناشویی، اخلاق‌مداری، پایبندی به خانواده، تأمین نیازهای جنسی متقابل، پایبندی به حقوق و وظایف خانواده، مراقبت‌های اخلاقی زوجین، نظارت و کنترل حریم خانوادگی، مرزهای زناشویی، ایمان و تعهدات اخلاقی، داشتن روابط عاطفی عمیق بین زوجین، پیوند عاطفی قوی و احساس تعلق به یکدیگر، تعهد و وفاداری، ابراز عشق، هم‌زیستی نداشتن قبل از ازدواج، وفاداری به همسر، تعهد به وفاداری جنسی، تعهد معنوی، دوری از فردگرایی اومانیستی	مجید ناتری و همکاران، ۱۴۰۲؛ ایرانی زاده و دیگران، ۱۳۹۸؛ کیانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ تاج‌بخش و همکاران، ۱۴۰۱؛ ناموران گرمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ زنجیرانی و علی‌مندگاری، ۱۳۹۶؛ دهدست و قبادی، ۱۳۹۸؛ فاطیما و الیم، ۲۰۲۴؛ صمدی و دیگران، ۲۰۲۱؛ کریمی و دیگران، ۲۰۱۹؛ آما تو و دیگران، ۲۰۱۳؛ فنل، ۱۹۹۳؛ باچاند و کارون، ۲۰۰۱؛ بوکین، ۲۰۰۴
پیش‌به‌سوی برابری جنسیتی: برابری در تصمیم‌گیری، برابری جنسیتی، وظایف مشترک زن و شوهر نسبت به یکدیگر، حل مشکلات تعادل کار و خانواده، تمرین تصمیم‌گیری مشترک، مشارکت مسئولانه، ایثار و از خودگذشتگی، آزادی عمل و اعمال قدرت، تشریک مساعی در امور خانواده، مسئولیت‌پذیری، نگرش به داشتن رابطه برابر، سلسله‌مراتب متعادل، تصمیم‌گیری مشارکتی، رعایت عدالت جنسیتی و عدم سلطه‌جویی بر همسر، حل تعارض، حمایت همه‌جانبه زوجین، تقلای زوجین برای استقلال از خانواده اصلی، تقسیم نقش‌های زندگی	مجید ناتری و همکاران، ۱۴۰۲؛ رزازی و همکاران، ۱۴۰۳؛ جعفرزاده پور، ۱۴۰۰؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۶؛ عباسی و همکاران، ۱۴۰۱؛ ناموران گرمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ زنجیرانی و علی‌مندگاری، ۱۳۹۶؛ غیاثوند و اسدی، ۱۳۹۸؛ کریمی دیگران، ۲۰۱۹؛ آما تو و دیگران، ۲۰۱۳

اهمیت هنجار دوام ازدواج: یکی از مؤلفه‌های مهم پایداری خانواده باور به ازدواج ماندگار، تلاش برای آن و مراقبت از زندگی زناشویی است. چنین هنجاری می‌تواند مبتنی بر الزام و حمایت بیرونی یا ناشی از ساختن و سوختن و مدیریت تعارضات زناشویی باشد.

دیو و ویلکاکس (۲۰۱۰) در مورد اهمیت دوام ازدواج دریافتند افرادی که به ثبات ازدواج اهمیت بیشتری می‌دهند، احتمالاً از روابط ازدواج باکیفیت لذت می‌برند و حداقل حمایت نسبی از اهمیت آن را فراهم می‌کنند (Dew and Wilcox, 2010). از این بُعد اگرچه تحقیقات اندکی به‌طور خاص باورهای مربوط به دوام رابطه ازدواج پس از ازدواج را هدف قرار داده است، تحقیقات در مورد تمایل به



طلاق و نگرش نسبت به طلاق بینش‌هایی را در مورد اینکه چگونه افراد روابط ازدواج دائمی احساس می‌کنند ارائه می‌دهد (Martin & Parashar, 2006). داشتن نگرش‌های سهل‌آمیز نسبت به طلاق احتمالاً با باورهای پایداری ازدواج مرتبط است، زیرا به جهت‌گیری کلی فرد برای پایان دادن به روابط ازدواج کمک می‌کند. تحقیقات دیگر نشان داده است که تجربه طلاق والدین یا احتمال طلاق به‌طور قابل توجهی درک کودکان از طلاق و ازدواج را تغییر می‌دهد، به‌طوری که بزرگسالان جوانی که فکر می‌کردند والدینشان باید طلاق بگیرند، به‌طور کلی نسبت به طلاق بیشتر احساس پذیرش و مثبت‌تر شدن می‌کنند و کمتر به ازدواج ارزش می‌دهند (Kapus, 2005).

بر اساس فراترکیب منابع مختلف، مضمون «اهمیت هنجار دوام ازدواج» با مضامین فرعی از قبیل حمایت از هنجار ازدواج مادام‌العمر، نگهداری رابطه، بنای رابطه بر محبت و دوستی، ساختار ارتباطی و حل تعارض، ارزیابی واقع‌بینانه، پذیرش و همدلی، انعطاف‌پذیری زوجین، ارتباط صادقانه و مستقیم، توانایی اعتماد و همدلی، استعداد طلاق، سازگاری و مدارا، تعاملات مثبت خانوادگی، مدیریت سازنده تعارض مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

همچنین امروزه توجه کردن و رفتن به سمت و سوی حقوق برابر و فرصت‌های مساوی در بین زوجین یک هدف مهم برای داشتن خانواده‌ای باثبات است. «برابری جنسیتی، میزانی که زنان فرصت‌های برابری برای توسعه استعدادهایشان برای انتخاب مستقلانه دارند را منعکس می‌کند» (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۹۴: ۳۴۵). در مقابل «نابرابری جنسیتی کنشی است که بر اساس جنسیت افراد به کوچک شمردن، حذف و طبقه‌بندی آنان می‌پردازند» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸). برابری جنسیتی از دل مفهوم نظام جنسیت بیرون می‌آید که عبارت است از انتظارات برساخته اجتماعی برای رفتار مردان و زنانی که در هر جامعه شناخته‌شده انسانی (به شکل متغیر) یافت می‌شوند. برابری جنسیتی به معنای تقسیم عادلانه ثروت، شهرت و احترام برای هر دو جنس است (ادواردز، ۲۰۱۰: ۵۶۵؛ نقل از آقایی و همکاران، ۱۳۹۵).

بر اساس فراترکیب منابع مختلف، مضمون «پیشرفت به‌سوی برابری جنسیتی» شامل مضامین فرعی از قبیل: برابری در تصمیم‌گیری، برابری جنسیتی، وظایف مشترک زن و شوهر نسبت به یکدیگر، حل مشکلات تعادل کار و خانواده، تمرین تصمیم‌گیری مشترک، مشارکت مسئولانه، ایثار و از خودگذشتگی، آزادی عمل و اعمال قدرت، تشریک مساعی در امور خانواده، مسئولیت‌پذیری، نگرش به داشتن رابطه برابر، سلسله‌مراتب متعادل، تصمیم‌گیری مشارکتی، رعایت



عدالت جنسیتی و عدم سلطه‌جویی بر همسر، حمایت همه‌جانبه زوجین، تقایلی زوجین برای استقلال از خانواده اصلی و تقسیم نقش‌های زندگی است. بر این اساس میزان آگاهی، درک و تجربه‌ای که زوجین در طول زندگی دارند، به‌ویژه زنان از برابری جنسیت دارند بر نگرش آنان به پایداری ازدواج تأثیر دارد. بنابراین بالا رفتن سطح آگاهی و انتظارات زنان و درک آنان از برابری جنسیتی، زمینه تغییر نگرش‌ها و رفتارها و تحولی قابل ملاحظه در نقش‌های آنان را فراهم آورده و باعث شده که زنان بیش از مردان بدین امر توجه داشته باشند. از منظر مک دونالد می‌توان دو سطح را برای جنسیتی را مد نظر قرار داد: نخست؛ برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور شامل: فرصت شغلی، تحصیلی، استخدام و مدیریت؛ و دوم، برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور شامل: کار درآمدزا، فرزندپروری و انجام کارهای منزل (مک دونالد، ۲۰۰۶: ۴۹۲). در مجموع هر چه زوجین در مسیر زندگی زناشویی فرصت‌های برابری برای رشد و پیشرفت همدیگر فراهم آورند و در تصمیم‌گیری‌های امور مختلف زندگی مشارکت فعالانه داشته باشند، حمایت بیشتری از همدیگر داشته و امید بیشتری نسبت به پایداری خانواده پیدا می‌کنند.

تعهد متقابل و حفظ استقلال فردی: اگرچه تعهد زوجین به یکدیگر به‌عنوان اساسی‌ترین عنصر اجتماعی در زندگی زناشویی، نشان‌دهنده تمایل فرد به ادامه زندگی خود و وفادار ماندن به همسر و ارزش‌های خانواده است. از سوی دیگر حفظ استقلال فردی مبنی بر داشتن حریم شخصی، رشد و توسعه پیشرفت فردی و اجتماعی با دوری از فردگرایی اومانیستی مهم‌ترین مؤلفه الگوی خانواده‌های پایدار است.

تعهد زناشویی نیرومندترین و پایدارترین عامل تضمین‌کننده کیفیت و پایداری زناشویی است (جان و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین می‌توان تعهد را از خودگذشتگی نسبت به همسر و ناتوانی در ترک رابطه زناشویی دانست (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

تعهد یکی از مؤلفه‌های ازدواج موفق محسوب می‌شود که برای ادامه زندگی زناشویی و ایجاد ارتباط و وابستگی روانی به شریک زندگی ضرورت دارد (آدامز و جونز، ۱۹۹۷). آدامز و جونز (۱۹۹۵)، ۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹، تعهد زناشویی را به‌عنوان «تمایل زوجین برای تداوم رابطه زناشویی بدون توجه به نوسان میزان رضایت‌مندی» تعریف کردند که شامل سه بُعد: ۱. تعهد نسبت به همسر (جاذبه زناشویی)؛ ۲. تعهد نسبت به ازدواج (التزام اخلاقی) و ۳. محدودیت‌های اجتماعی (احساس به دام افتادگی) است. تعهد نسبت به همسر شامل عشق، رضایت، فداکاری و سرسپردگی است و تعهد



نسبت به ازدواج به مسئولیت‌پذیری زوجین برای حفظ ازدواج و احترام به آن گفته می‌شود (جونز، ۲۰۰۴).

قدیمی‌ترین مدل تعهد زناشویی توسط رسبالت (۱۹۸۰) با عنوان «مدل سرمایه‌گذاری» مطرح شد. مطابق با این مدل، تعهد زوجین نسبت به یکدیگر به سه فاکتور مرتبط به یکدیگر بستگی دارد این فاکتورها عبارتند از: رضایت از رابطه زناشویی، سرمایه‌گذاری در رابطه زناشویی و جایگزین‌های رابطه زناشویی؛ به عبارت دیگر، رسبالت معتقد است که یک همسر زمانی به ازدواج خود متعهد خواهد بود که از شریکش راضی باشد، در رابطه‌اش سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده باشد و جایگزین‌های مناسب دیگری در اختیار نداشته باشد. جانسون (۱۹۹۹)، مدل جامعی را ارائه نمود که در آن تعهد زناشویی به صورت سه نوع مستقل: تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری مطرح شده است. تعهد شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است. تعهد اخلاقی بیانگر وفاداری اخلاقی فرد به تداوم رابطه است و تعهد ساختاری نیز به موانع و محدودیت‌های موجود در ترک یک رابطه و احساس اجبار به تداوم آن رابطه اشاره دارد.

مسئولیت، فداکاری، گذشت، عاطفه، اعتماد، عشق و دوست داشتن از ویژگی‌های تعهد زناشویی است که بر سه اصل رضایت زناشویی و کنار آمدن زوجین، احساس مسئولیت و وظیفه جهت ادامه دادن به رابطه زناشویی و ترس از حوادث تلخ و ناگهانی خاتمه دادن به ازدواج پایبند است. تعهد زناشویی حدی است که در آن افراد دیدگاه بلندمدتی روی ازدواجشان دارند و برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند. برای حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام برمی‌دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش دهنده نیست، می‌مانند (هارمون، ۲۰۰۵).

بر اساس فراترکیب منابع مختلف، مضمون «تعهد متقابل و حفظ استقلال فردی» با مضامین فرعی از قبیل: وابستگی به همدیگر و حفظ مرزها، امنیت زناشویی، اخلاق‌مداری، پایبندی به خانواده، پایبندی به حقوق و وظایف خانواده، مراقبت‌های اخلاقی زوجین، نظارت و کنترل حریم خانوادگی، مرزهای زناشویی، ایمان و تعهدات اخلاقی، داشتن روابط عاطفی عمیق بین زوجین، پیوند عاطفی قوی و احساس تعلق به یکدیگر، تعهد و وفاداری، ابراز عشق، وفاداری به همسر، تعهد معنوی و دوری از فردگرایی اومانیستی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

کانون پایداری خانواده: چنانچه به رفتارهای پایدارکننده در راستای ماندگاری پیوندهای زناشویی نگریسته شود، هسته اصلی کانون پایداری خانواده؛ الگوی رفتاری به نام «تمرین ما شدن» است. بر

این اساس، زوجین در مسیر زندگی زناشویی، به تدریج برای حفظ و پایداری زندگی مشترک، با فاصله گرفتن از «من فردی» و تبدیل شدن به «مای جمعی»، فرایندهایی از قبیل تغییر، تنظیم و تطبیق خواسته و نیازها را تجربه می‌کنند. در این میان برای امور از قبیل تغییر در اولویت‌ها، عقب‌نشینی از خواسته‌ها تلاش می‌کنند و سعی در تطبیق آن دارند تا به هویت خانوادگی و منزلت اجتماعی مشترک نائل شوند. هویت‌یابی خانوادگی نوعی باور به توانایی و تلاش جمعی زوجین برای حفظ زندگی زناشویی است. زوجین، در چنین پویایی‌های بین فردی عمیق‌ترین احساس تعلق، تعالی، صمیمیت و حمایت و فداکاری را به شریک زندگی خود روا می‌دارند.

نتیجه‌گیری

در مجموع مطالعات بسیاری در ارتباط با ازدواج و تشکیل خانواده انجام شده است؛ اما پژوهش‌های کمتری بر الگوهای پایدار و تحکیم خانواده تمرکز دارند. در مقابل بیشتر بر روی متغیرهایی که باعث از هم پاشیدن خانواده‌ها شده‌اند، پرداخته‌اند. همچنین در نقطه مقابل بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه، در نگاهی آسیب‌شناسانه مبتنی بر طلاق و آثار آن از جمله مطالعاتی است که در حوزه‌ها و با کمک روش‌های مختلف انجام شده است. در صورتی که بررسی بخش مهمی از زندگی خانواده که حالت ثبات دارد و قدرت پیشگیری از جدایی را ممکن می‌سازد، کمتر بررسی شده است. بنابراین دستیابی به الگوهای پایداری و شیوه‌های تحکیم خانواده‌ها، در عین اینکه تکمیل‌کننده مطالعات مربوط به حوزه طلاق و تعارضات زناشویی است؛ می‌تواند مسیرهای زندگی زناشویی خانواده‌هایی که دوام یافته را نشان دهد و نیز به سایر زوجین و حتی افراد ازدواج نکرده در داشتن زندگی مستحکم، کمک نماید.

در پژوهش حاضر با مرور نتایج مطالعات مختلف با کمک روش فراترکیب، سه فرایند رفتاری پایدار کننده در قالب مضامین اهمیت هنجار دوام ازدواج، تعهد متقابل و حفظ استقلال فردی و پیشرفت به‌سوی برابری جنسیتی استخراج گردید و نیز هسته اصلی کانون پایداری خانواده؛ با فاصله گرفتن از «من فردی» و تبدیل شدن به «مای جمعی» در قالب فرایندی تغییری، تطبیقی و تنظیمی است به نام «تمرین ما شدن» مورد تحلیل قرار گرفت.

لاور و لاور (۱۹۹۶) به نقل از کرای، خجسته مهر، سودانی و اصلانی (۱۳۹۵) هفت دلیل را برای ازدواج پایدار و خوشبخت عنوان کردند: دوست همدیگر بودن، علاقه به همسر به‌عنوان یک انسان، مقدس



شمردن ازدواج، توافق بر سر اهداف و انتظارات، تعهد، بیشتر شدن علاقه به همدیگر در طول زمان و تمایل به موفقیت در زندگی و رابطه زناشویی. مرور مطالعات کمی در مورد ازدواج‌های بلندمدت به کلیدهای ازدواج پایدار همانند روابط صمیمی و عاطفی (بلاچ، هاس و لوینسون، ۲۷۹۱؛ کارستنسن، گاتمن و لوینسون، ۲۰۱۳)، متعهد شدن به همسر و ازدواج (شریسا، ۲۷۹۱؛ مک کری، ۲۷۹۵؛ فینل، ۹۱۱۳)، حل تعارض (دراپور و گاتمن، ۲۰۱۴) و دیگر عوامل منتهی شده است. همچنین فنل در مطالعه‌ای نشان داد که ۱۰ مؤلفه تأثیرگذار بر پایداری ازدواج‌های موفق عبارتند از: تعهد به روابط زناشویی در طول زندگی، وفادار ماندن به همسر، ارزش‌های اخلاقی محکم، احترام به همسر، وفاداری، والد خوب بودن، داشتن ارزش‌های مذهبی، حمایت دوطرفه، هماهنگی و همدلی با همسر، توانایی عفو و گذشت و مورد گذشت واقع شدن (Fennell, 1993).

مطالعه اسکم با عنوان «هویت و ثبات در ازدواج» به این نتیجه می‌رسد که «ازدواج از بسیاری جهات نوعی سازش بین رفتارهای حافظ ثبات و رفتارهای ضامن هویت است و افراد در هر ازدواجی این رفتار توازن بخش را با مهارت هر چه تمام‌تر به اجرا در می‌آورند» (Eskom, 1984: 183). همچنین متأثر از مباحث کنترل درونی ویلیام گلاسر می‌توان اذعان داشت رفتارهای مخرب منجر به ارزیابی منفی از ازدواج و کاهش رضایت و ثبات زناشویی می‌شود. همچنین ریتا والینوا بر درک الزامات ساختاری شده، تمرکز بر روابط و پیوندها با دیگران، با هم بودن و تعلق داشتن در روابط خویشاوندی، حمایت اجتماعی و نیز چرخه یا روال زندگی (Life Circle) تأکید دارد که در شکل‌گیری ساختار خانواده نقش مهمی دارند و باید به تمامی آن‌ها در این زمینه توجه شود. همچنین متأثر از رویکرد چرخه زندگی اذعان داشت که خانواده‌ها با گذشت زمان در ساختار و روابطشان تغییراتی را تجربه می‌کنند که باعث تغییر در کمیت و کیفیت رابطه زناشویی زوجین می‌گردد که به تداوم یا انحلال خانواده می‌انجامد. در این میان شاید بتوان گفت رشد و توسعه فردی و تحلیل وضعیت خویشتن و جایگاه اجتماعی خانواده موجب می‌گردد که در مواجهه با تضادها و نابسامانی‌های زندگی با دوری از کمک دیگران با تلاش و تعهد به خویشتن و زندگی زناشویی جان دوباره بخشد؛ در واقع بر رنج‌ها و سختی‌هایی که بر زندگی روا می‌داریم معنای جدیدی می‌بخشیم. «باید بپذیریم که شرط جایگزین کردن شادی با غم، این است که غمی جانکاه را تجربه باشیم» (کارنو، ۱۳۹۴: ۳۱۰).



فهرست منابع

- آرامی، حسین؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ زهراکار، کیانوش (۱۴۰۲). *مطالعه کیفی شناسایی مؤلفه‌های پیشگیرانه از فروپاشی خانواده*. خانواده، مجله درمانی کاربردی، ۴ (۱) ۳۱۲-۳۲۹.
- افلاطونی، معصومه؛ خدادادی سنگده، جواد؛ فرحبخش، کیومرث (۱۴۰۱). *شناسایی بسترهای سازگاری زناشویی در مراحل اولیه ازدواج در پایداری‌سازی آن*. روان‌شناسی فرهنگی، ۱۶ (۱)، ۲۳۵-۲۵۷.
- اینگلهارت، رونالد؛ پل. آر. آبرامسون (۱۳۸۷). *امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی*، ترجمه: شهناز شفیعی‌خانی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵.
- بستان، حسین (۱۳۸۲). *بازنگری نظریه‌های نقش جنسیتی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- تقوی‌پور، محمدرضا؛ صلواتیان، سیاوش (۱۳۹۴). *الگوی خانواده تراز اسلامی در منظومه فکری رهبری*، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۹، ۳۶-۵.
- ثناگویی زاده، محمد (۱۴۰۰). *شناسایی عوامل مرتبط با پایداری ازدواج در مطالعات ایرانی*، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۷ (۳)، ۲۶۱-۲۷۷.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ لولا آور، منصوره (۱۳۹۲). *نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران*، نشریه زن در فرهنگ و هنر، شماره ۲، ۱۹۸-۱۸۳.
- حاتمی ورزنه، ابوالفضل؛ اسماعیلی، معصومه؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۶). *ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند: یک پژوهش گراند‌تئوری*. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۶ (۱).
- دات، نیتش؛ هارولد، کلارک (۱۳۷۸). *سنجش تغییر ارزشها در جوامع صنعتی غربی (تأثیر بیکاری)*، ترجمه: فرحناز توکلی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵.
- دلخمش، محمدتقی (۱۳۸۶). *ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی*. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). دوره ۳، شماره ۱۲.
- رجبی، عباس (۱۳۸۶). *سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن*، نشریه، معرفت، شماره ۱۱۲.
- رشوند، مرجان (۱۳۹۷). *متمایزکننده‌های وضعیت ازدواج در میان زنان شهر تهران*، رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ریبنز مک‌کارتی، جین؛ ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰). *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، ترجمه: محمد مهدی لیبی، نشر علم.



- سرایی، حسن (۱۳۸۵). *تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران*، انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال اول. شماره ۲.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۵). *تأثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویت جنسیتی زنان*، مجله جنسیت و خانواده، مرکز تحقیقات زن و خانواده، شماره سوم.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۹). *پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران، تهران، کارفرما: شهرداری تهران*.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸). *سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی*، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال. سیزدهم، شماره ۲.
- کشاورز حداد، غلامرضا؛ محمد قدسی قاراب (۱۳۹۳). *نابرابری دستمزد مردان و تمایل به ازدواج زنان در ایران*، مقاله ۳، دوره ۱۹، شماره ۵۹.
- گلچین، مسعود؛ سعید، صفری (۱۳۹۶). *کلان‌شهر تهران و ظهور نشانه‌های الگوی تازه‌ای از روابط زن و مرد؛ مطالعه زمینه‌ها، فرایند، و پیامدهای هم خانگی*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دهم، شماره ۱، بهار ۵۷-۲۹.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۷). *خانواده درمانی*. ترجمه حمید رضا حسین شاهی برواتی، دکتر سیامک نقش‌بندی، الهام ارجمند. تهران: نشر روان.
- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*. ترجمه ویدا ناصحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لاور، رابرت اوچ (۱۳۷۲). *دیدگاه‌های درباره دگرگونی اجتماعی*، ترجمه: کاووس سید امامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

References

- Abbasi-shavazi, M.J. (2000)" Effects of marital fertility and Nuptiality on fertility translation in the Islamic Republic of Iran. Working papers in demography, Canberra: Australian national university.
- Abramson, Paul and Ronald in glehart, 1992, Generational Replacement and value change in Eight west European societies, British journal of political science, 22: 183- 228.
- Albrecht, et al. (1987)." Social Psychology", Englewood Cliffs and New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- allow,Barry,J.& Bowles,Terry.V.P. (1998). Adolescents'influence and co-opetation in family decision-making.Journal of Adolescence,21:599-608.
- Anderson, Gunnar (1997), The Impact of children on divorce risks of Swedish woman. European Journal of Population. Vol. 13. pp. 109-14
- Arnold, A. L. (2013). Parent–daughter communications and emerging adults' beliefs about mate selection. Adult Dev, 20, 16–26.
- Becker, G. S. (1991). A treatise on the family. Cambridge, MA: Harvard University Press.- Baron, R. A. and Byrne, D. (1997)."Social Psychology", Boston: Allyn and Bacon.
- Becker, Gary S (1973), A Theory of Marriage, Part I; the Journal of Political -Economy, Vol. 81, No. 4, pp. 813-846.
- Becker, Gary S. (1974), A Theory of Marriage, Part II; The Journal of Political Economy, Vol. 82, No.2, part 2, pp. s11-s26.
- Braun Luckey, Eleanore & Koyn Bain, Joyce (1970), Children: A Factor in Marital Satisfaction. Journal of Marriage and family. Vol. 32. No. 1. Pp.43-45.
- Caldwell, J. C. & Caldwell, P. (1987). The cultural context of high fertility in sub-Chicago Press. family: Marriage, children, and human capital (pp. 299-344). Chicago: University of Free Press of Glencoe.
- Carroll, J. S. (2009). Ready or not?: Criteria for marriage readiness among emerging adults. Journal of Adolescent Research, 24 (3), 349-375.
- Carroll, J. S., Badger, S., & Yang, C. (2006). Delaying Marriage: The Trends and the Consequences-Carlson, Neil R. (1993)." Psychology: The Science of Behavior", Boston : Allyn.
- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C., & Madsen, S. (2009). Ready or not? Criteria for marriage readiness among emerging adults. Journal of Adolescent Research, 24 (3), 349-375.
- Coale, A. J., Mc Neil, D. R. (1972). "The Distribution by Age of the Frequency of First Marriage in Female Cohort". Journal of American Statistical Association, 67-Christensen, Harold T (1968), Children in the Family: Relationship of Number and Spacing to Marital, Journal of Marriage and Family, Vol. 30, No. 2.
- Common trends and persistent diversity across Europe, demographicresearch, Vol. 19 No. 6(2008), 85-138. Strulik, H, (1997). Learning-by-doing, population pressure, and the theory of demographic transition, Journal Population Economics, Vol. 10(1997), 285– 298. (<http://www.prb.org> 20/05/2010) &(<http://www.wvs.com> 10/03/2010).
- Covey, M, (2007).Work and Families, Michigan Family Review, Vol. 12(2007), 1-6. Erfani, A & Beaujot, R, (2006). Familial Orientations and the Rationales for Childbearing Behavior, Canadian Studies in Population, Vol. 33.No. 1(2006), 49-67.



- Crissey, S. R. (2005). Race/ethnic differences in the marital expectation of adolescents: The role of romantic relationships. *Journal of Marriage and Family*, 67, 297–709.
- Demo, David H., and Martha J Cox, (2000). Families with young children: A review of research in the 1990, *JMF*, (62): 876.
- Epstein, N. B., Bishop, D. S., & Baldwin. L. M. (1984). McMaster model of family functioning. In D.H. Olson and P.M. Miller (Eds.), *Family studies review yearbook*. (Vol. 2, pp. 19-31). New Delhi: Sage Publications.
- Epstein, N. B., Bishop, D., Ryan, C., Miller, L., & Keitner, G. (1993). The McMaster model view of healthy family functioning. In F. Walsh (Ed.), *Normal family processes* (pp. 138-160) New York/London: The Guildford Press. 22.
- Fatima and M. Asir Ajmal (2012) Happy Marriage: A Qualitative, study *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology* 2012, Vol. 10, No. 1, 37-42
- Feinberg M, Hotez E, Roy K, Ledford CJW, Lewin AB, Perez-Brena N, Childress S, Berge JM. Family Health Development: A Theoretical Framework. *Pediatrics*. 2022 May 1;149(Suppl 5):e2021053509I. doi: 10.1542/peds.2021-053509I. PMID: 35503316; PMCID: PMC9847418
- Furnham, A. (2009). Sex differences in mate selection preferences. *Journal of Personality and Individual Differences*, 47, 262–267.
- Gardiner, Judith Kegan (1998). "Feminism and the Future of Fathering" in Tom Digby (ed.) *Men Doing Feminism*, New York and London: Routledge.
- Goffman, E (1979) *Gender Advertisement*, London: Macmillan
- Good, W. (1963), "World Revolution and Family Patterns", London:
- Good, William J. (1989). *The Family*, Prentice-Hall of India, Second Edition.
- Gray.Little. (1997). Marital quality and power processes among Black Couples. *Journal of marriage the family*.
- Hamilton G and Siow A(2007). Class Gender and Marriag. *Review of Economic Dynamics* Vol.10 NO. 44 PP. 549-575
- Harcar, Talha, & Spillan, John, E. (2006). Exploring Latin American family decision-making using correspondence analysis. *Journal of World Business*, 41: 221-232.
- Harvey, L; MacDonald, M. (1993), *Doing Sociology*, London: The MacMillan Pres LTD.
- Heaton, Tim B. (1990). Marital Stability Throughout the Child-rearing years. *Demography*, vol. 27, no.1.
- Hoem, J. M & Dora, k, (2008). Traces of the Second Demographic Transition in Four Selected Countries in Central and Eastern Europe: Union Formation as a Demographic Manifestation", *Euro J Population*, DOI 10.1007/s10680- 009-9177-y. Lawshe, C.H, (1975). A quantitative approach to content validity, *Personal Psychology*, Vol.28 No. 4 (1975), 563-575.
- Ingelhart, Ronald and paul R. Abramson". *Economic Security and value change*, *American Political science Review*, 1994, Vol 88, No 2, pp336-354.
- Jary, david and jary, Julia (2000) *Collins dictionary of sociology*. Glasgow: haper Collins pub.-
- Jensen R. and Thornton R. (2003) " Early female marriage in the developing world", *Gender and development*, 11(2): 9-19.
- Jensen R. and Thornton R. (2003) " Early female marriage in the developing world", *Gender and development*, 11(2): 9-19.

- Joshi, N (2003), Correlates of female age at marriage in two states: Uttaranchal and Uttar Pradesh, <http://jhuzzp.org>
- Lesthaeghe, R & Neels, K, (2002). From the First to the Second Demographic Transition: An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland, *European Journal of Population*, Vol. 18(2002), 325–360. Lesthaeghe, R & L. Neidert, (2006). The second demographic transition in the United States: Exception or textbook example? *Population and Development Review*, Vol. 32 No. 4(2004), 669-698. Rashad, H, (2000). Demographic transition in Arab countries: a new perspective, *Journal of Population Research*, Vol.17 No. 1(2000), 83 -101. Ravaneral, Z. R & et al, (1999). Should a second demographic transition follow the first? *Demographic contrasts: Canada and South Korea*, *Social Indicators Research*, Vol. 47(1999), 99–118. Sobotka, T & Toulemon, L, (2008). changing family and...
- Lesthaeghe, R., Kaufmann, G., & Meeker, D. (1989). The Nuptiality Regimes in Sub-
- Maitra, Pushkar (2004), Effect of Socioeconomic Characteristics on Age at Marriage and Total Fertility in Nepal; *Journal of Health, Population and Nutrition*, Vol. 22, No. 1.
- Malhotra A. and A.O.Tsui (1996)" Marriage timing in Sri Lanka: the role of modern norms and ideas" *journal of marriage and the family*.58 (2): 476-490.
- Malhotra, A., & Tsui, A. (1996) Marriage and timing in Sri Lanka: The role of modern norms and ideas, *Journal of Marriage and the Family*, 58(2), .
- McKeown, K., Pratschke, J., & Haase, T. (2003). Family well-being: what makes a difference? Retrieved from <http://www.welfare.ie/EN/Policy/ResearchSurveysAndStatistics/FamiliesResearchProgramme/Documents/famwellect03>.
- Moxnes, Kari (2003), Risk factor in divorce; Perception by the children, Sage publication, London. Thousand Oaks and New Delhi, Vol10 (2): 131-146.
- Oakley, Ann (1976), "Woman""s Work: The Housewife, Past and Present", New York: Vintage Books.
- Ono, Hiromi & Sanders, James (2009), Divorce in contemporary Japan and its gender pattern, *International Journal of sociology of family*. Vol. 35. No. 2. Pp. 169-188.
- Pothan, Sosamma(1987).divorce, its causes and consequences in Hindu society. Viskas publishing House, new dehli.
- Prakash, R. (2014). Who Marries Whom? Changing Mate Selection Preferences in Urban India and Emerging Implications on Social Institutions. *Popul Res Policy Rev*, 33, 205–227
- Quisumbing, A. R. and Hallman, K (2003), Marriage in Transition: Evidence on Age, Education and Assets from Six Developing Countries, New York: Population Council.
- Quisumbing, A. R. and Hallman, K (2003), Marriage in Transition: Evidence on Age, Education and Assets from Six Developing Countries, New York: Population Council.
- Rokeach, Milton, Beliefs, Attitudes and values, sossey Bass publishers, 1968.
- Sabini, John (1995), *Social Psychology*, New York and London: W.W. Norton & Company.
- Saharan Africa. In R. Lesthaeghe (Ed), *Reproduction and social organisation in sub-Saharan Africa*. *Population and Development Review*, (13)3, 409-437.
- Sanchez, Laura (2003.) Two as One Couples' Perceptions of Time Spent Together, Marital Quality, and the Risk of Divorce- *Journal of Family Issues* 24(1):21-50 .
- Sarantakos, s. (2000). Marital power and quality of marriage. *Australian social work*.



- Schwarz, S. (2012). Sex and Age Differences in Mate-Selection Preferences. *Hum Nat*, 23, 447-466. –
- Sing, M., Hill, H., & Mendenko, L. (2001). Work, welfare, and family wellbeing. Research Report. Mathematica Policy Research. New York: Princeton. Sponsored by the Iowa State Department of Human Services, Des Moines. Retrieved from <http://www.eric.ed.gov> Family well-being
- Smith, Peter C., (1980), Asian marriage patterns in transition”, *Journal of Family History*, 5(1): 58-96.